

یک عکاس پیشکسوت مطرح کرد:

یک عکاس با تفکر به نتیجه می‌رسد نه شات‌های مکرر!

رومین محتشم گفت: بیشتر عکاسان امروزی به دلیل جذابیت و مباحث تبلیغاتی در رسانه‌های مجازی، تمایل دارند که کارهای خود را سریع به نمایش بگذارند.

است. حضور دوستان در نمایشگاه‌ها و جوایزی که می‌گیرند رضایت بخش بوده که این نشان می‌دهد استعداد کافی را داریم. همانطور که می‌دانید جوایز محدود باعث خلاقیت در انسان میشود و همین خلاقیت‌ها کارهای متفاوت تری را ایجاد می‌کند. این‌ها عوامل مهمی هستند تا عکاسان جوان ایرانی بتوانند بیش از پیش بدرخشند. من آرزو می‌کنم که ساختار آموزشی ایران مقداری نظام‌مند عمل کند تا بتواند جایگاه عکاسی را در کشور پایدارتر کند. همچنین حقوق عکاس و کارآو جلدی گرفته شود چرا که یکی از ضروریات عکاسی اجتماعی و نگاه امروزی، نمایش در عکاسی بالنده‌تر و پویاتر پیش می‌رویم و نزدیک شدن به قله‌های عکاسی جهان را تسریع می‌بخشیم.

توصیه شما به عکاسان جوان؟
خیلی از این حرف‌ها گفته شده و شاید هم به شکل نصیحت باشد، اما تجربه‌ای که دارم می‌گویم تنها چیزی که انسان را به کمال میرساند کار است. کسی می‌تواند عکاس شود که در طول روز حداقل سه ساعت یا به عکس فکر کند یا مداومت کار را به وجود می‌آورد. همچنین مطالعه اساسی تمام علوم به ویژه ادبیات در کنار تکنیک، یکی از ضروریات‌های بسیار جدی است که دوستان عکاس باید به آن توجه داشته باشند.

و جایگاه عکاسی ایران در جهان؟
عکاسی یک دستاورد کاملاً غربی است که ما رسیده و ما هم تلاش می‌کنیم تا آن را متأثر از شرایط و موضوعاتی که در خودشان جایگاه کسب کنند. هر چند استثناهایی هم در این موضوع وجود دارد. باتوجه به اینکه در عصر رقابت به سبب هم می‌توانیم این هنر را با مباحث فرهنگی و مطالباتمان ترکیب و بعد در همان قالب عرضه کنیم مهم است. تکرار یک عکس مهم است، اما رسیدن به تالیف، ویژگی نگاه یا نگاه فردی اصل کار است که باید برای آن تلاش و تمرین کرد. امروزه امکانات فضا می‌تواند آموزش را راحت کرده در هر زمینه‌ای محتوای هر عکس در هر ژانر، به عکاس و تحلیل او بستگی دارد. واکنش‌های حساس عکاسان در شرایط فکری، اندیشه و به کارگیری نظریه‌های موجود عکاسی با توجه به زبان هنر اگر آثار نسل ما یا آثار جوانان را مقایسه کنید، متوجه این تفاوت‌ها خواهید شد.

هنری اوضاع مساعد نیست، زیرا در دنیای امروز، شرایط عرضه کاملاً متفاوت و تا حدودی هم دشوار است، علی‌الخصوص دوستان جوان و با شهرستانی که نمی‌توانند به راحتی در جریان حیات عکاسی، برای خودشان جایگاه کسب کنند. هر چند استثناهایی هم در این موضوع وجود دارد. باتوجه به اینکه در عصر رقابت به سبب هم می‌توانیم این هنر را با مباحث فرهنگی و مطالباتمان ترکیب و بعد در همان قالب عرضه کنیم مهم است. تکرار یک عکس مهم است، اما رسیدن به تالیف، ویژگی نگاه یا نگاه فردی اصل کار است که باید برای آن تلاش و تمرین کرد. امروزه امکانات فضا می‌تواند آموزش را راحت کرده در هر زمینه‌ای محتوای هر عکس در هر ژانر، به عکاس و تحلیل او بستگی دارد. واکنش‌های حساس عکاسان در شرایط فکری، اندیشه و به کارگیری نظریه‌های موجود عکاسی با توجه به زبان هنر اگر آثار نسل ما یا آثار جوانان را مقایسه کنید، متوجه این تفاوت‌ها خواهید شد.

ما بچه‌های دوران آنالوگ هستیم. قطعاً دوران ما یکسری مزیت‌ها داشت که در دوران دیجیتال کمتر دیده می‌شود. مصرف لیم، هزینه‌های بالای آن و مراحل سخت نمایش آثار باعث میشد که در کمال وقت کارمان را انجام میدهیم. به عبارتی شات زدن‌های کم، از نسل ما آدم‌های مضطرب ساخت و یک رفتاری را در ما نهادینه کرد تا با کمترین فرصت و شانس، بیشترین نتیجه را بگیریم. چرا که روش آموزش و شرایط کاری ما همواره همین بوده و به همین دلیل نسل قدیم را به یک انضباط رفتاری دچار کرده‌ام. ما وقتی یک موضوع را عمیقاً و دلی درک نکنیم کمتر به سراغش می‌رویم، وقتی یک سوز و آلتونیک‌وار می‌بینیم به دلیل تمرین‌های مضطرب و درک آدم از آن، خود به خود ضمیر ناخودآگاه دستور صادر میکند و با آن سبک و سیاق عکس گرفته می‌شود و آن شرایط حس و درکی نتیجه را برایت محرز میکند.

اما امروزه در سایه تکنولوژی دوربین‌های دیجیتال، گمان میشود که با شات‌های زیاد می‌توان به نتیجه مورد نظر رسید. در اینصورت دیگر انضباط در کار به وجود نمی‌آید. یعنی تمرکز و رفتاری که ما در آنالوگ داشتیم اینجا وجود ندارد. امروزه عکس‌های زیادی از یک سوز گرفته می‌شود که قطعاً از بین آن‌ها چند

فریم هم قابل قبول خواهد بود. از طرفی دوربین‌های تصویربرداری در گوشی‌ها، ابزاری که انسان‌های امروزی دارند و تعدد آنها، فضای متفاوت تری را ایجاد میکند و در نتیجه با تولید تعداد زیادی عکس در روز مواجه میشویم که بعضاً هم خوب می‌شوند. اما آیا این تصاویر با هدفی که یک عکاس در آغاز پیروژه اش در نظر می‌گیرد و به شکل خیلی جستجوگرانه آن را انجام میدهد ثبت می‌شوند؟ عکس‌هایی که فریخی هستند را می‌توان با عکس‌های حرفه‌ای مقایسه کرد؟ قطعاً اینطور نیست؛ بنابراین نمی‌گوییم که تصویر تولیدی گوشی‌های دوربین هم‌راه کار ارزش است، اما اگر هدف پشت آن باشد می‌توان با این ابزارها معجزه کرد.

در کل دنیای دیجیتال را در عکاسی منفر می‌دانید؟
در حال حاضر دنیای دیجیتال برای ما امکانات زیادی فراهم کرده و روش‌های مختلفی را در آن پدید می‌آورد که ساده‌ترین آن‌ها فتومونتاژ یا فتوآرت است. قطعاً حوزه‌های آرت با قابلیت‌های دنیای دیجیتال بسیار توانمند شده و این موضوع قابل چشم پوشی نیست. اما خروجی کار بستگی به این دارد که دوربین در دست چه کسی است، به چه سمتی می‌رود و در نهایت آن سمت و سوه به کجا خواهد رسید. اینکه چند عکس بگیریم و در نهایت یکی از آن‌ها برحسب شانس خوب شود خیلی روش درستی نیست.

به نظر شما علت تفاوت اصلی در نگاه هنرمندان امروزی با هنرمندان گذشته چیست؟
به نظر من روش‌ها و دغدغه‌های فکری دو نسل کاملاً باهم فرق دارد. ما متعلق به یک نسل با یکسری دیدگاه و نگاه‌های اجتماعی هستیم در صورتی که جوان‌های امروزی در شرایط متفاوت تری زندگی کرده‌اند و دغدغه‌هایشان کاملاً با نسل گذشته فرق دارد. اینکه چه کاری را چقدر مسئولانه انجام میدهیم مهم است. جوان‌های امروزی به دلیل گسترش فضا و نظر به‌های عکاسی خیلی توانمندتر از نسل قدیم ما و وقتی یک موضوع را عمیقاً و دلی درک نکنیم کمتر به سراغش می‌رویم، وقتی یک سوز و آلتونیک‌وار می‌بینیم به دلیل تمرین‌های مضطرب و درک آدم از آن، خود به خود ضمیر ناخودآگاه دستور صادر میکند و با آن سبک و سیاق عکس گرفته می‌شود و آن شرایط حس و درکی نتیجه را برایت محرز میکند.

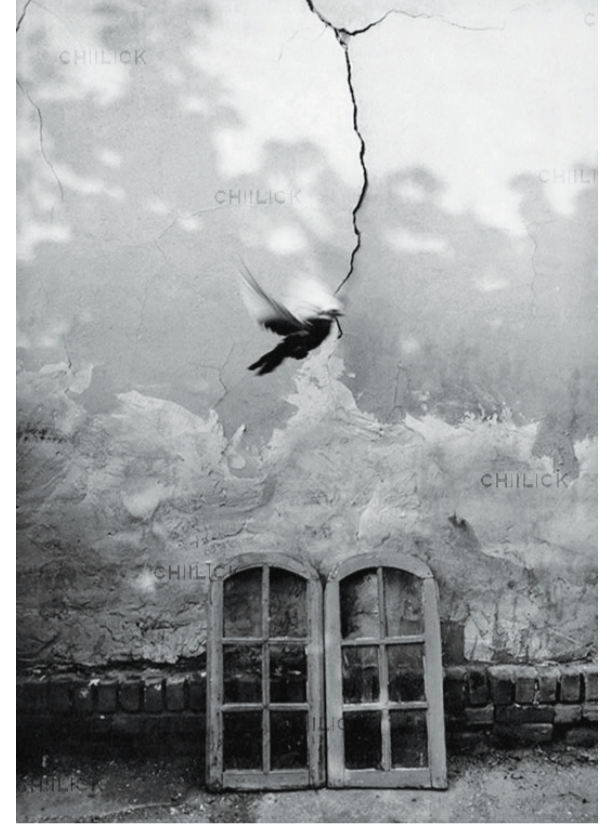
اما امروزه در سایه تکنولوژی دوربین‌های دیجیتال، گمان میشود که با شات‌های زیاد می‌توان به نتیجه مورد نظر رسید. در اینصورت دیگر انضباط در کار به وجود نمی‌آید. یعنی تمرکز و رفتاری که ما در آنالوگ داشتیم اینجا وجود ندارد. امروزه عکس‌های زیادی از یک سوز گرفته می‌شود که قطعاً از بین آن‌ها چند

انجام می‌دهیم و امیدواریم که دوستانمان هم بتوانند در روزهای آتی امکان نمایش آثارشان را پیدا کنند.
باتوجه به اینکه شما فارغ التحصیل رشته عکاسی هستید، آیا تحصیلات آکادمیک در پیشرفت یک هنرمند موثر است؟
قطعاً موثر است، زیرا دانشگاه می‌تواند زمینه ایجاد روابط، شرایط گفت‌وگو و تبادل تجربه را فراهم کند. در دانشگاه هنری، دانشجوی می‌تواند مسائل را بشنود و یاد بگیرد. احساس می‌کنم کسانی که خیلی جدی در محیط‌های دانشگاهی مشغول هستند، یادگیری دانشجویان و هنرجویان هم برایشان مهم است. قطعاً تحصیلات آکادمیک نیاز است، اما تمام راه نیست. تمام آن چیزی که برای هنرمند شدن لازم است در تحصیلات خلاصه نشده، بعضی از دوستان دانشگاه نمی‌روند، اما خودشان برای خودشان دانشگاه دارند. فضای دانشگاه فقط می‌تواند برای ارتباط با کسانی که تجربه و تخصص کافی دارند موثر باشد. همچنین در دانشگاه رابطه هنرها با یکدیگر نتواند گسسته است. یعنی اگر یک نفر در دانشگاه باشد، با نقاش، گرافیک و هنرمندان دیگر رشته‌ها نیز ارتباط دارد که این خود مسیر پیشرفت را هموار می‌کند.

باتوجه به گستردگی تکنولوژی در دنیای فعلی و استفاده عموم از دوربین موبایل ها، چه تصویری را باید اثر هنری یا عکس نامید؟
ما بچه‌های دوران آنالوگ هستیم. قطعاً دوران ما یکسری مزیت‌ها داشت که در دوران دیجیتال کمتر دیده می‌شود. مصرف لیم، هزینه‌های بالای آن و مراحل سخت نمایش آثار باعث میشد که در کمال وقت کارمان را انجام میدهیم. به عبارتی شات زدن‌های کم، از نسل ما آدم‌های مضطرب ساخت و یک رفتاری را در ما نهادینه کرد تا با کمترین فرصت و شانس، بیشترین نتیجه را بگیریم. چرا که روش آموزش و شرایط کاری ما همواره همین بوده و به همین دلیل نسل قدیم را به یک انضباط رفتاری دچار کرده‌ام. ما وقتی یک موضوع را عمیقاً و دلی درک نکنیم کمتر به سراغش می‌رویم، وقتی یک سوز و آلتونیک‌وار می‌بینیم به دلیل تمرین‌های مضطرب و درک آدم از آن، خود به خود ضمیر ناخودآگاه دستور صادر میکند و با آن سبک و سیاق عکس گرفته می‌شود و آن شرایط حس و درکی نتیجه را برایت محرز میکند.

اما امروزه در سایه تکنولوژی دوربین‌های دیجیتال، گمان میشود که با شات‌های زیاد می‌توان به نتیجه مورد نظر رسید. در اینصورت دیگر انضباط در کار به وجود نمی‌آید. یعنی تمرکز و رفتاری که ما در آنالوگ داشتیم اینجا وجود ندارد. امروزه عکس‌های زیادی از یک سوز گرفته می‌شود که قطعاً از بین آن‌ها چند

انجام می‌دهیم و امیدواریم که دوستانمان هم بتوانند در روزهای آتی امکان نمایش آثارشان را پیدا کنند.
باتوجه به اینکه شما فارغ التحصیل رشته عکاسی هستید، آیا تحصیلات آکادمیک در پیشرفت یک هنرمند موثر است؟
قطعاً موثر است، زیرا دانشگاه می‌تواند زمینه ایجاد روابط، شرایط گفت‌وگو و تبادل تجربه را فراهم کند. در دانشگاه هنری، دانشجوی می‌تواند مسائل را بشنود و یاد بگیرد. احساس می‌کنم کسانی که خیلی جدی در محیط‌های دانشگاهی مشغول هستند، یادگیری دانشجویان و هنرجویان هم برایشان مهم است. قطعاً تحصیلات آکادمیک نیاز است، اما تمام راه نیست. تمام آن چیزی که برای هنرمند شدن لازم است در تحصیلات خلاصه نشده، بعضی از دوستان دانشگاه نمی‌روند، اما خودشان برای خودشان دانشگاه دارند. فضای دانشگاه فقط می‌تواند برای ارتباط با کسانی که تجربه و تخصص کافی دارند موثر باشد. همچنین در دانشگاه رابطه هنرها با یکدیگر نتواند گسسته است. یعنی اگر یک نفر در دانشگاه باشد، با نقاش، گرافیک و هنرمندان دیگر رشته‌ها نیز ارتباط دارد که این خود مسیر پیشرفت را هموار می‌کند.



عکاسی جزئی از زندگی ماست. اما اگر بعضی می‌گویند بیکار هستیم به این دلیل است که شرایط جامعه به گونه‌ای نیست که بتواند هنرمند را حمایت کند. پس ما کار جامعه‌دارند و از آنجایی که مدیای آن‌ها طوری است که عکاسی را به پیشرفت خودمان و از وظیفه‌مندانه انجام می‌دهیم. به طوری که عکاسی از پروژه‌هایی که در ذهن داریم و با موضوعاتی که نسبت به آن‌ها حساس هستیم...

عکاسان به ویژه عکاسان خبری، نقش مهمی در بازتاب عینی از مسائل جامعه دارند و از آنجایی که مدیای آن‌ها طوری است که عکاسی را به پیشرفت خودمان و از وظیفه‌مندانه انجام می‌دهیم. به طوری که عکاسی از پروژه‌هایی که در ذهن داریم و با موضوعاتی که نسبت به آن‌ها حساس هستیم...

عکاسان به ویژه عکاسان خبری، نقش مهمی در بازتاب عینی از مسائل جامعه دارند و از آنجایی که مدیای آن‌ها طوری است که عکاسی را به پیشرفت خودمان و از وظیفه‌مندانه انجام می‌دهیم. به طوری که عکاسی از پروژه‌هایی که در ذهن داریم و با موضوعاتی که نسبت به آن‌ها حساس هستیم...

عکاسان به ویژه عکاسان خبری، نقش مهمی در بازتاب عینی از مسائل جامعه دارند و از آنجایی که مدیای آن‌ها طوری است که عکاسی را به پیشرفت خودمان و از وظیفه‌مندانه انجام می‌دهیم. به طوری که عکاسی از پروژه‌هایی که در ذهن داریم و با موضوعاتی که نسبت به آن‌ها حساس هستیم...

به آهنگسازی مهیار علیزاده:

«هفت الف» پارسا خائف آبان ماه منتشر می‌شود

یعنی آذربایجانی را نیز شامل می‌شود. در این آلبوم از کلام حضرت مولانا و اسامی معاصر ادبیات فارسی همچون هوشنگ ابتهاج، محمدعلی بهمنی، زنده‌یاد گلچین گیلانی و اهورا ایمان بهره برده شده است و کلام قطعات موسیقی آذربایجانی که تنظیم جدید مهیار علیزاده را بر خود دیده‌اند،

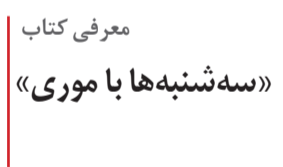


سه شنبه‌ها با موری
نویسنده: میج‌الایوم
مترجم: رضیه عبدلی
نشر روزگار

میج‌الایوم، نویسنده توانای آمریکایی رمان سه‌شنبه‌ها با موری را برای همه آنهایی نوشته‌است که می‌خواهند طعم زندگی را آن‌گونه که باید بچشند. این کتاب در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و تاکنون از تاثیرگذارترین و پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز بوده‌است.

درباره‌ی استیو تولتز
این کتاب روایت‌کننده‌ی استاد پیری با شاگردش در واپسین روزهای زندگی است. پروفیسور شوارتز موری به بیماری ای‌ال‌اس دچار است. بیماری‌ای که به تدریج بدن را از کار می‌اندازد و سلول‌ها و بافت‌های ماهیچه‌ای را تخریب می‌کند. شاگرد هر سه‌شنبه‌ها دیدار استاد می‌رود و از او و بسا او درس زندگی می‌آموزد. کلاسی که شاید امتحان و درس پس دادن‌های معمول دانشگاه را ندارد اما یک کلاس بی‌نظیر است. کلاسی که راهبر و راهرو هر دو با هم در آن رشد می‌کنند و به کمال می‌رسند. هر سه‌شنبه میج درباره موضوعی با استاد خود صحبت می‌کند: دنیا، مرگ، زندگی، خانواده، فرهنگ، بخشش، دانایی، از دواج و هر مفهومی که راجع به چیز و زیستن و چگونه زیستن است. میج در این سه‌شنبه‌ها همراه استادش مراحل متفاوتی از کمال انسانی را می‌پیماید.

این آلبوم از اواسط سال گذشته آغاز شد. این اثر موسیقایی پس از حدود یک سال تلاش، هم‌اکنون آماده انتشار است. گفتنی است این آلبوم شامل هفت قطعه موسیقی با صدای پارسا خائف و آهنگسازی و تنظیم مهیار علیزاده است که علاوه بر زبان فارسی، دو قطعه موسیقی فاخر به زبان مادری پارسا



جزء از کل
نویسنده: استیو تولتز
مترجم: شیرین یزدانی
انتشارات ارمغان گیلار

میج‌الایوم، نویسنده توانای آمریکایی رمان سه‌شنبه‌ها با موری را برای همه آنهایی نوشته‌است که می‌خواهند طعم زندگی را آن‌گونه که باید بچشند. این کتاب در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و تاکنون از تاثیرگذارترین و پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز بوده‌است.

درباره‌ی استیو تولتز
این کتاب روایت‌کننده‌ی استاد پیری با شاگردش در واپسین روزهای زندگی است. پروفیسور شوارتز موری به بیماری ای‌ال‌اس دچار است. بیماری‌ای که به تدریج بدن را از کار می‌اندازد و سلول‌ها و بافت‌های ماهیچه‌ای را تخریب می‌کند. شاگرد هر سه‌شنبه‌ها دیدار استاد می‌رود و از او و بسا او درس زندگی می‌آموزد. کلاسی که شاید امتحان و درس پس دادن‌های معمول دانشگاه را ندارد اما یک کلاس بی‌نظیر است. کلاسی که راهبر و راهرو هر دو با هم در آن رشد می‌کنند و به کمال می‌رسند. هر سه‌شنبه میج درباره موضوعی با استاد خود صحبت می‌کند: دنیا، مرگ، زندگی، خانواده، فرهنگ، بخشش، دانایی، از دواج و هر مفهومی که راجع به چیز و زیستن و چگونه زیستن است. میج در این سه‌شنبه‌ها همراه استادش مراحل متفاوتی از کمال انسانی را می‌پیماید.

عکاسی جزئی از زندگی ماست. اما اگر بعضی می‌گویند بیکار هستیم به این دلیل است که شرایط جامعه به گونه‌ای نیست که بتواند هنرمند را حمایت کند. پس ما کار جامعه‌دارند و از آنجایی که مدیای آن‌ها طوری است که عکاسی را به پیشرفت خودمان و از وظیفه‌مندانه انجام می‌دهیم. به طوری که عکاسی از پروژه‌هایی که در ذهن داریم و با موضوعاتی که نسبت به آن‌ها حساس هستیم...



جزء از کل
نویسنده: استیو تولتز
مترجم: شیرین یزدانی
انتشارات ارمغان گیلار

میج‌الایوم، نویسنده توانای آمریکایی رمان سه‌شنبه‌ها با موری را برای همه آنهایی نوشته‌است که می‌خواهند طعم زندگی را آن‌گونه که باید بچشند. این کتاب در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و تاکنون از تاثیرگذارترین و پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز بوده‌است.

درباره‌ی استیو تولتز
این کتاب روایت‌کننده‌ی استاد پیری با شاگردش در واپسین روزهای زندگی است. پروفیسور شوارتز موری به بیماری ای‌ال‌اس دچار است. بیماری‌ای که به تدریج بدن را از کار می‌اندازد و سلول‌ها و بافت‌های ماهیچه‌ای را تخریب می‌کند. شاگرد هر سه‌شنبه‌ها دیدار استاد می‌رود و از او و بسا او درس زندگی می‌آموزد. کلاسی که شاید امتحان و درس پس دادن‌های معمول دانشگاه را ندارد اما یک کلاس بی‌نظیر است. کلاسی که راهبر و راهرو هر دو با هم در آن رشد می‌کنند و به کمال می‌رسند. هر سه‌شنبه میج درباره موضوعی با استاد خود صحبت می‌کند: دنیا، مرگ، زندگی، خانواده، فرهنگ، بخشش، دانایی، از دواج و هر مفهومی که راجع به چیز و زیستن و چگونه زیستن است. میج در این سه‌شنبه‌ها همراه استادش مراحل متفاوتی از کمال انسانی را می‌پیماید.



گروه هتل های تاپ تورز



هتل ویدا



هتل بزرگ کوروش

021-8586
www.ttgroup.ir
@Toptours_Group
ttgroup.ir

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹